



وہامیان و تحریف قرآن کریم

* اسدالله رضایی



◆ چکیده

پاکیزه بودن ساحت نورانی قرآن کریم از تحریف و طعن‌هایی همانند آن، از نگاه همه مسلمانان امری تردید‌ناپذیر است، اما آنچه این فضای همگرایی را به هم می‌ریزد، اتهام وهابیان به شیعه است که می‌گویند شیعه قائل به تحریف و تغییر است، ولی اگر به منابعی که وهابیان به آنها اعتماد دارند، مراجعه کنیم، خواهیم دید که در این منابع به‌ویژه در صحیح بخاری و صحیح مسلم اخباری نقل شده که نشان می‌دهند قرآن دچار تحریف و تغییر شده است و در واقع، آنچه به شیعه نسبت می‌دهند، خود به آن دچارند و یا باید خودشان قائل به تحریف قرآن باشند و یا منابع مورد اعتماد خود به ویژه صحیحین را تکذیب کنند.

کلیدواژگان: وهابیان، قرآن، تحریف، شیعه، الحفد، الخلع، رجم، متعه.

◆ مقدمه

از دیرباز یکی از تهمت‌های وهابیان به شیعه امامیه، اعتقاد به تحریف^۱ قرآن کریم است. گروهی از آنان همواره به شیعه اتهام می‌زنند که شیعیان معتقد به نقص و تغییر در این کتاب آسمانی‌اند و به قرآن موجود اعتقاد ندارند؛ در حالی که بیشترین اخبار تحریف، در منابع معتبر در نزد آنان است و از بزرگان نشان نقل کرده‌اند. درحقیقت از منابع روایی، تفسیری و تاریخی مورد قبول وهابیان که اخبار وقوع تحریف را آورده، به دست می‌آید که وهابیان خود از قائلان به تحریف قرآن‌اند، ولی به مرور انگشت اتهام را به سوی شیعه نشانه گرفتند و شیعه متهم اصلی این قضیه گردید. برای اثبات این ادعا، ابتدا اصل تهمت و آن‌گاه گوشه‌هایی از گزارش وقوع تحریف قرآن از منابع مورد قبول وهابیت، برای داوری اهل تحقیق ارائه می‌شود.

◆ اذعان به تحریف در منابع مورد اعتماد وهابی

۱. نقص و دگرگونی در الفاظ و حروف قرآن

اگر اصطلاح تحریف را به مفهوم هر دگرگونی و تغییری برخلاف رضایت الهی بدانیم، در منابع و آثار وهابیان دیدگاه واحدی درباره تعداد حروف و کلمات قرآن وجود ندارد. ابن جوزی (م ۵۹۷ق) ادعای اجماع می‌کند که حروف قرآن سیصد هزار حرف است^۲ و در مقدار بیشتر از آن اختلافی است. ابن مسعود مقدار اضافه را ۴۷۴۰ حرف می‌داند که در مجموع می‌شود ۳۰۴۷۴۰ حرف. حمزة بن حبيب حروف اضافی را ۷۳۲۵۰ حرف نقل می‌کند.^۳ سیوطی (م ۹۱۱ق)، تعداد حروف قرآن را ۳۲۳۶۷۱ حرف

۱. هر چند «تحریف» کاربردهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد، در اینجا به این معناست که متن و الفاظ قرآن موجود دچار کاستی و زیادی شده است. برای اطلاع بیشتر: ر.ک: *البيان في تفسير القرآن*، تألیف آیت الله خویی.

۲. *عجائب القرآن*، ص ۱۳۳.

۳. همان؛ که در مجموع می‌شود ۳۷۳۲۵۰ حرف.

می‌شمارد^۱ که با این حساب رقم بزرگی به‌عنوان تفاوت با رقم اجماعی پیدا خواهد شد.^۲ جالب توجه اینکه هیتمی (م ۸۰۷ق) از عمر بن الخطاب و او از رسول الله ﷺ نقل می‌کند:

الْقُرْآنُ: أَلْفَ أَلْفِ حَرْفٍ وَ سَبْعَةَ وَعِشْرُونَ أَلْفَ حَرْفٍ، فَمَنْ قَرَأَهُ
صَابِرًا مُحْتَسِبًا كَانَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ؛ قرآن دارای
یک میلیون و ۷۴۰ هزار حرف است. هر کسی آن را صبورانه و با
تدبّر قرائت کند، برای هر حرفش زوجه‌ای از حوریان بهشت نصیب
او خواهد شد.^۳

این عبارت حروف قرآن را به بیش از یک میلیون حرف می‌رساند.^۴ سیوطی به‌جای اینکه در این عدد عجیب تردید کند، می‌گوید: «این عدد نیز حمل شده بر مقداری که رسم آن از قرآن نسخ شده؛ زیرا تعداد حروف قرآن به این عدد نمی‌رسد».^۵ در تعداد کلمات قرآن نیز نقل‌ها متفاوت است. از ابن مسعود، ۷۷۹۳۴ کلمه، از مجاهد ۷۹۲۷۰ کلمه، از بُرید ۷۶۰۰۰، از دیگری ۷۷۴۶۰ کلمه و به‌نقل دیگری ۷۷۷۰۱ کلمه نقل شده،^۶ که حدود ۱۳۴۳ کلمه اختلاف پیدا خواهد شد. حال سوال این است آیا این رقم از قرآن حذف و یا به آن افزوده شده است؟

۱. الإیتقان، ج ۱، ص ۱۳۴ «النوع التاسع عشر، فصل في عدد الآيات، جميع حروف القرآن: ثلاثمائة ألف حرف، و ثلاثمائة وعشرون ألف حرف وستائة حرف، و واحد وسبعون حرف».
۲. حدود ۷۳۲۵۰ حرف.
۳. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۷، ص ۱۶۳؛ حقائق الهامة حول القرآن، ص ۳۷۱: نقل‌های دیگری هم در این کتاب آمده است.
۴. صيانة القرآن من التحريف، ص ۱۶۳.
۵. الإیتقان، ج ۱، ص ۱۴۱: «وقد مُجِّلَ ذَلِكَ عَلَى مَا نَسَخَ رَسْمَهُ مِنَ الْقُرْآنِ أَيْضًا؛ إِذِ الْمَوْجُودُ الْآنَ لَا يُبَلِّغُ هَذَا الْعَدَدَ».
۶. عجائب القرآن، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۲. نقص و تغییر در تعداد آیات قرآن

در منابع مورد اعتماد وهابیان در تعداد آیات قرآن، نقل‌های متفاوتی به ثبت رسیده است:

الف) تفاوت در تعداد آیات: ابن جوزی، ۶۲۰۰^۱ و سیوطی ۶۰۰۰ آیه را اجماعی می‌شمارند،^۲ و مقدار زائد بر آن را به پنج منطقه جغرافیایی و افراد شاخص هر منطقه تقسیم کرده‌اند که عبارت اند از: مکه منسوب به مجاهد؛ مدینه اول (که کوفیان به طور مرسل از آنها نقل می‌کنند)؛ مدینه آخر، منسوب به ابی جعفر یزید بن قعقاع؛ کوفه منسوب به ابی عبدالرحمن السلمی؛ بصره منسوب به عاصم بن میمون جعدری؛ شام منسوب به عبدالله بن عاصم حبیبی.^۳ به نقل ابن مسعود، آیات قرآن در مدنی اول ۶۲۱۷ آیه، مدنی آخر ۶۲۱۴ آیه، کوفه ۶۲۳۶ آیه، بصره ۶۲۰۵ و در نقلی ۶۲۰۴ آیه، به روایت‌های دیگر بصری‌ها: ۶۲۱۹، ۶۳۳۶، ۶۳۲۹، ۶۲۱۵، ۶۲۱۰ و ۶۲۰۶ و بنا به گزارشی ۶۲۳۲ آیه نقل شده است.^۴ بنابراین ۶۲۰۰ و ۶۰۰۰ هر دو رقم اجماعی است.^۵ بنابر ادعای اجماع اول، در مقدار زیادی اختلاف است. در نقل مدنی اول ۱۷ آیه، در نقل مدنی آخر ۱۴ آیه، در روایت مکه ۲۰ آیه، به روایت کوفی ۳۶ آیه و در نقل بصری‌ها ۵، ۴ و ۱۹ آیه، و به روایت شام ۲۹ آیه است.^۶ بنابر ادعای اجماع دوم عددهای اختلافی، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۰ و ۲۳۶ آیه است؛^۷ در نتیجه، از یک‌سو، میان دو ادعای اجماع دست‌کم ۲۰۰ آیه اختلافی است و از دیگر سو، هر کدام از دو اجماع را که بپذیریم، بی‌تردید آیاتی در قرآن اضافه یا حذف گردیده است. از طرف سوم، این

۱. همان، ص ۱۳۰؛ *مناهج العرفان*، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. *الإتقان*، ج ۱، ص ۱۳۴. سیوطی عدد ۶۲۱۶ آیه را نیز از ابن عباس روایت کرده است.

۳. همان، ص ۱۲۸.

۴. *عجائب القرآن*، ص ۱۳۰.

۵. *مناهج العرفان*، ج ۱، ص ۳۳۶ «علی آنه سته آلاف ومأنا آیه و کسر»؛ *الإتقان*، ج ۱، ص ۶۷.

۶. *مناهج العرفان*، ج ۱، ص ۳۳۶.

۷. *الإتقان*، ج ۱، ص ۱۳۴، النوع التاسع عشر، فصل في عدد الآیه.

اختلاف، اصل زیادی و کاستی در قرآن را ثابت می‌کند؛ چه اینکه طبق حدیث عُمَر، حروف قرآن ۱۰۲۷۰۰۰ حرف بوده است و اگر از آن، عدد مورد رضایت سیوطی کسر شود (۳۲۳۶۷۱)،^۱ ۷۰۳۳۲۹ حرف باقی خواهد ماند.^۲ با این جمع بندی (۷۰۳۳۲۹ = ۳۲۳۶۷۱ - ۱۰۲۷۰۰۰) بی‌تردید این تعداد حروف تشکیل دهنده چندین سوره و صدها آیه است.

ب) حذف آیه «رَجِم» از قرآن^۳

ج) حذف آیه فرانس: عمر بن خطاب نَه تنها خود اعتقاد به تحریف داشت، که از دیگران از جمله از اُبی بن کعب اقرار به نقص قرآن گرفت:

«همانا عُمَر بن خطاب به اُبی بن کعب گفت: آیا ما در کتاب خدا

نمی‌خواندیم: انتفاءکم من آبائکم کُفْرَ بکم؟ اُبی گفت: بله، سپس

گفت: آیا ما قرائت نمی‌کردیم: أَلَوْلَدَ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ فَقَدْ

فِيهَا فَقَدْنَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ فقال (أُبي): بَلَى.

د) حذف آیه رغبت: عمر معتقد بوده که آیه رغبت از قرآن افتاده است. از او نقل شده: ما در قرآن قرائت می‌کردیم: «لَا تَرْغَبُوا عَنِ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كُفْرٌ بِكُمْ أَنْ تَرْغَبُوا عَنِ آبَائِكُمْ، أَوْ إِنْ كُفِرَ بَكُمْ أَنْ تَرْغَبُوا عَنِ آبَائِكُمْ».^۴

ه) تحریف آیه مُنَعَه: طبری، مفسر مشهور و مورد قبول آنان، با استناد به چند حدیث می‌گوید: آیه شریفه ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ

۱. الإتيان، ج ۱، ص ۱۳۴، النوع التاسع عشر، فصل في عدد الآيات.

۲. صيانة القرآن من التحريف، ص ۱۶۳.

۳. ر.ک: مجله سراج منیر، شماره ۵، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۴. صحيح البخاري، ج ۶، ص ۲۵۰۵، كتاب المحاربين من اهل الكفر، ب ۱۶، رجم الحُبلي، ح ۶۴۴۲؛ كنز العمال،

ج ۲، ص ۵۹۶، ح ۴۸۱۸؛ ص ۵۶۷، ح ۴۷۴۱ (من مسند عمر، باب لواحق التفسير)؛ مع الدكتور موسي الموسوي،

ص ۳۰۴؛ الوهابيون خواجه أوسنة، ص ۲۶۲؛ الحقيقة المظلومة، ص ۱۰۲.

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَزَاوَا ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ
فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...^۱ چنین نازل شد:
﴿...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾، و حتی ابن عباس سه
بار سوگند می خورد و می گوید «وَاللَّهِ لَأَنْزَلَ اللَّهُ كَذَلِكَ!!»^۲.

قرطبی (م ۶۷۱ق)، نیز همین مطلب را از ابن عباس و ابی بن کعب و ابن جبیر نقل
می کند، ولی او بر نسخ شدن حکم آن پافشاری می کند.^۳ پس طبق این نوشته جمله
کلیدی و حساس ﴿إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾^۴ که حکم جواز نکاح متعه را اثبات و قطعی
می سازد، از آیه حذف شده است؛ آنگاه این دو مفسر برای تأیید به روایت امام
امیرالمومنین علیه السلام استدلال می کند که فرمود: «اگر عمر از متعه نهی نمی کرد، جز
انسان شقی مرتکب زنا نمی شد».^۵

و) ساقط شدن آیه جهاد: عمر به عبدالرحمن بن عوف گفت: آیه «أَنْ جَاهِدُوا كَمَا
جَاهَدْتُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ» که در مورد ما نازل شد، در قرآن نیافتی؟ ما که آن را نیافتیم. او در
جواب گفت: ساقط شد از قرآن، آنچه ساقط شد.^۶
ز) حذف آیاتی از سوره احزاب: بر اساس چند روایت از ابی بن کعب، بخشی از
سوره احزاب که در تعداد آیات، به اندازه سوره بقره و حتی بیشتر بوده است، حذف شده
است:

۱. سوره توبه، آیه ۲۴.

۲. تفسیر الطبري، ج ۴، ص ۱۴، تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء، ح ۹۰۳۵-۹۰۴۴.

۳. الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۱۳۰، تفسیر آیه: التاسعة - واختلف العلماء في معنى الآية.

۴. سوره هود، آیه ۳.

۵. تفسیر الطبري، ج ۴، ص ۱۵، ح ۹۰۴۳؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۳، ص ۱۳۰: «لَوْلَا أَنَّ عُمَرَ نَهَىٰ عَنِ الْمَتْعَةِ مَا
رَزَىٰ إِلَّا شَقِيًّا».

۶. الإيتقان، ج ۲، ص ۴۹، النوع السابع والأربعون؛ صيانة القرآن من التحريف، ص ۱۶۱: «أَسْقَطَتْ فِيهَا أُسْقَطَ مِنَ
القرآن».

... زربن حُبَيْش می گوید: اُبی بن کعب به من گفت: سوره احزاب را چه مقدار قرائت می کنید؟ گفتم: هفتاد و چند آیه. گفت: من آن را با رسول الله به اندازه سوره بقره یا بیشتر از آن قرائت می کردم و آیه رجم نیز در آن قرار داشت.^۱

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) در المستدرک خود بعد از نقل روایت می گوید: «این حدیث صحیح السند است؛ در حالی که بخاری و مسلم آن را نیاورده اند». ^۲ سیوطی به نقل از عایشه می آورد که سوره احزاب در زمان رسول الله ۲۰۰ آیه بود، وقتی عثمان قرآن‌ها را نوشت، بر آیات بیشتر از تعداد کنونی (۷۳ آیه)، دست نیافت؛ ^۳ یعنی ۱۲۷ آیه از این سوره نعوذ بالله حذف شده است! ^۴. «قریب به همین مضمون از عُمَر در خصوص آیه رجم نقل شده است. ^۵

ح) حذف بزرگ‌ترین آیه قرآن: در حالی که ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ از عظیم‌ترین آیه‌های قرآن است و ۱۱۳ بار در ابتدای سُور ذکر شده، ولی در منابع حدیثی و فقهی اهل سنت به شدت مورد اختلاف است. گروهی از روایات آنان ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را جزء آیات قرآن و از جمله جزء سوره فاتحه‌الکتاب نمی‌شمارد. مسلم از انس بن مالک نقل می‌کند: «ما همراه رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان نماز گزاردیم. ولی از هیچ کدام از آنها نشنیدیم که «بسم الله» را قرائت کنند!». ^۶ در گزارشی اضافه می‌کند: «... لا يذُكُرونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ قِرَاءَةٍ وَلَا فِي آخِرِهَا».^۱

۱. المسند، ج ۸، ص ۴۱، ح ۲۱۲۶۳ و ۲۱۲۶۴؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۴۷۴۳؛ الدرالمشور، ج ۶، ص ۵۵۸، تفسیر سوره احزاب.
۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۱۵.
۳. الدرالمشور، ج ۶، ص ۵۵۹.
۴. الإیتقان، ج ۲، ص ۴۸، النوع السابع والأربعون (الضرب الثالث).
۵. الدرالمشور، ج ۶، ص ۵۵۸، ابتدای تفسیر سوره احزاب.
۶. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۹۹، کتاب الصلاة، باب حجة من قال لا يجهر بالبسملة، ح ۵۰: قال: صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ، فَلَمْ أَسْمَعْ أَحَدًا مِنْهُمْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

نسائی (م ۳۰۳ق)،^۲ احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)^۳ و ابن ماجه (م ۲۷۵ق)^۴ همین مطلب را آورده‌اند که اولاً، «بسم‌الله» جزء آیات قرآن نیست. ثانیاً، جهراً آن در نمازهای یومیّه واجب نیست.^۵

گذشته از اینکه «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را جزء آیات قرآن نشمردن، برخلاف ظاهر قرآن است،^۶ متناقض با روایات صحیح و متواتر است، بخاری از قتاده و او از انس بن مالک چگونگی قرائت رسول‌الله ﷺ را این‌گونه گزارش می‌کند: «...سپس رسول‌الله بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را قرائت می‌کرد درحالی که «بسم‌الله» و «الرحمن» و «الرحیم» را می‌کشید (مَد می‌داد)».^۷

مسلم در کتاب خود، تحت عنوان «البِسْمَةُ آيَةٌ فِي أَوَّلِ كُلِّ سُورَةٍ سِوَى الْبَرَاءَةِ» از مالک بن انس نقل می‌کند که وقتی سوره کوثر نازل شد، رسول‌خدا درحالی که خوشحال بود، سوره را با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم خواند.^۸ ترمذی به نقل از ابن عباس می‌گوید: «پیامبر نمازش را با بسم‌الله آغاز می‌کرد»، سپس می‌نویسد: عده‌ای از اهل علم از اصحاب رسول‌الله مانند ابوهریره، ابن عمر، ابن عباس و ابن زبیر، همین مطلب را

۱. همان، ح ۵۲.

۲. سنن النسائي بشرح السيوطي، ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۳۵، کتاب الافتتاح، باب ترك الجهر ببسم الله.

۳. المسند، ج ۴، ص ۴۴۶، مسند انس بن مالک، ح ۱۳۳۳۶ و ص ۵۴۴، ح ۱۳۸۹۳، ص ۵۵۴، ح ۱۳۹۵۹؛ جزء ۴۲، ص ۱۳، ح ۱۹۶۵۰، حدیث عبدالله مغفل المزني.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹، ابواب الصلاة، ب (۶۵) مايقول عند الافتتاح الصلاة.

۵. به همین جهت حنفی‌ها «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را در نماز آهسته، مالکی‌ها به دلیل حدیث عایشه نه جهراً و نه آهسته و شافعی‌ها آن را به جهراً می‌خوانند (المبسوط، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶).

۶. چون در همه قرآن‌ها «بسم‌الله...» به خط قرآن و همانند دیگر آیات آن نوشته می‌شود.

۷. صحيح البخاري، ج ۶، ص ۱۹۵، کتاب فضل القرآن، باب مدّ القراءة: ثم قرآن: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» يَمُدُّ بِسْمِ اللَّهِ وَيَمُدُّ بِالرَّحْمَنِ وَيَمُدُّ بِالرَّحِيمِ.

۸. صحيح مسلم، ج ۱، ص ۳۰۰، کتاب الصلاة باب حجة من قال: البسملة آية...

گفته‌اند و حتی برخی تابعین جَهْرِ بسم‌الله را واجب شمرده‌اند؛ چه اینکه شافعی، اسماعیل بن حماد و ابو خالد و...، جهر را واجب می‌دانستند.^۱

بیهقی (م ۴۵۸ق) نه تنها بسم‌الله را جزء فاتحة‌الکتاب می‌شمارد، بلکه از انس مالک نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ نماز را با جهر به بسم‌الله می‌خواندند.^۲

حاکم نیشابوری^۳ و جلال‌الدین سیوطی نیز شبیه همین روایت را از ام سلمه درباره کیفیت نماز رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند.^۴

و در روایتی از طلحة بن عبیدالله آمده که رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که «بسم‌الله...» را ترک کند، یک آیه از کتاب خدا را ترک کرده است».^۵

فخر رازی بعد از طرح دیدگاه‌های عالمان اهل سنت، نظر خودش را این‌گونه ابراز می‌دارد:

طبق نقل متواتر برای ما ثابت است که «بسم‌الله الرَّحْمَن الرَّحِيم» کلام خدا و بر محمد ﷺ فرو فرستاده شده است و در مصحف به خط قرآن مکتوب است. و از آنجا که در ابتدای سوره‌ها مکتوب است؛ پس واجب است جزء قرآن باشد.^۶

سپس تصریح می‌کند اگر «بسم‌الله» جزء قرآن نباشد، هرگز روا نیست به خط قرآن نوشته شود و چون مکتوب شدن آن به خط قرآن اجماعی است، یقین می‌کنیم که جزء

۱. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۴-۱۵، باب من رأی الجهر بسم‌الله...: كان النبي ﷺ فتح صلواته بـ «بسم‌الله الرَّحْمَن الرَّحِيم»....

۲. السنن الكبرى، ج ۲، ص ۴۶.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۵۶، من کتاب الامامة و صلاة الجمعة، ح ۷۰۷، هذا صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه.

۴. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۰-۱۳-۱۹: «قالت (أم سلمة): قرأ رسول الله بسم‌الله الرَّحْمَن الرَّحِيم، ولا الضالین».

۵. همان، ص ۲۱: «من ترک بسم‌الله الرَّحْمَن الرَّحِيم فقد ترک آیه من کتاب الله».

۶. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۱۷۹.

قرآن است.^۱ از همین رو برخی مبادرت به تألیف کتاب مستقل در این خصوص کرده‌اند.^۲

پس، اینکه وهابیان بسم‌الله را - با اینکه قرآن می‌شمارند، ولی - از سوره‌های قرآن نمی‌دانند و یا در آن تردید دارند،^۳ نشان از اعتقاد آنان به تحریف این آیه شریفه است، در حالی که طبق روایات متواتر بسم‌الله جزء سوره‌های قرآن است.

۳. نقص و زیادی در تعداد سوره‌ها

الف) معوذتین^۴ جزء قرآن نیست!!: آلوسی (م ۱۲۷۰ق) در تفسیر خود آورده است که ابن مسعود در مصحف خویش تعداد سوره‌ها را ۱۱۲ دانسته و معوذتین را جزء سوره‌های قرآن ندانسته است و ضمن اینکه آن دو را از مصحفش پاک کرده، می‌گوید: «آن دو، جزء کتاب خدا نبود و پیامبر مأمور بود که به آن دو استعاده کند و لذا آن حضرت، حسن و حسین را با آن دو سوره در پناه خدا قرارداد».^۵

۱. «فلو لم تكن التسمية من القرآن لما كتبوها بخط القرآن، ولما اجعوا على كتابتها بخط القرآن، علمنا إنها من القرآن». همان، ص ۱۷۵.

۲. کتاب الجهر بالبسملة تألیف ابی سعید بوشنجی (م ۵۳۶ق)؛ کتاب البسملة تألیف ابن خزیمه (م ۳۱۱ق)، کتاب الجهر بالبسملة، تألیف خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق)، کتاب دار القطنی (م ۳۸۵ق)، که بسم‌الله را جزء آیات قرآن شمرده‌اند.

۳. ابن تیمیه در دو کتابش ضمن اینکه نظر شافعی‌ها و غیر آنان را در اینکه بسم‌الله را جزء سوره‌های قرآن دانسته‌اند، خطامی‌داند، می‌گوید: «و إنَّ البسملة آیه من کتاب الله حیث کتبتها الصحابة فی المصحف، إذ لم یکتبوا فیها إلا القرآن، وجرّوها عما لیس منه کالتعمیر والتعشیر وأسماء السور، ولكن مع ذلك لا یقال هی من السورة التي بعدها كما لیس من السورة التي قبلها، بل هی کتبت آیه أنزلها الله فی أول کل سورة، وإن لم یکن من السورة، وهذا أعدل الأقوال الثلاثة فی هذه المسألة». الفتاوی الکبری، جزء ۴، ص ۴۲۰، مسألة فی قول النبی ﷺ؛ مجموع الفتاوی، جزء ۱۳، ص ۳۹۸-۳۹۹، کذب من قال: إن ابن مسعود یجوز ...

۴. معوذتین، سوره‌های فلق و ناس است.

۵. روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵: «ولیسنا من کتاب الله تعالی وإن ما أمر النبی ﷺ أن یتعوذ بهما وهذا عوذهما الحسن والحسین».

مصحف اَبی بن کعب به نقل اَلوسی مشتمل بر ۱۱۵ سوره بوده که بعد از سوره عصر، سوره‌های الخلع و الحفد قرار داشته است^۱ و به نقل سیوطی تعداد سوره‌ها ۱۱۶ سوره بوده است و او چون فیل و قریش را یک سوره می‌دانسته، می‌گوید: مناسب آن است که تعداد سوره‌های قرآن را ۱۱۵ بدانیم!!^۲

همین مطلب را سیوطی از احمد بن حنبل، بزّاز طبرانی و ابن مُردَوَیه به طریق صحیح از ابن عبّاس و ابن مسعود نقل کرده و می‌گوید:

ابن مسعود، معوذتین را از مُصحفش پاک کرد و می‌گفت: قرآن را به غیر آن مخلوط نکنید و آن دو جزء کتاب‌خدا نبود. فقط پیامبر مأمور بود به آن دو استعاذه کند و ابن مسعود آن دو را قرائت نمی‌کرد.^۳

ب) حذف سوره‌های «الحفد» و «الخلع»^۴

ج) تحریف سوره توبه: براساس اسناد متعدد، ابوموسی اشعری قاریان بصره را که حدود سیصد مرد بودند، گرد هم آورد و به آنان گفت:

شما برگزیدگان و قاریان اهل بصره هستید. در حالی که زمان بر شما طولانی نشده (بعد از رسول خدا) قلب‌هایتان همانند گذشتگانان سنگین شده، ما همواره سوره‌ای را که در طولانی بودن و شدت بودنش به سوره براءت شبیه می‌دانستیم، قرائت می‌کردیم، ولی شما آن را به فراموشی سپردید و تنها من، قسمتی از آن را حفظ دارم: «لَوْ كَانَ لِإِبْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنْ مَالِ لِإِبْتِغِي وَادِيَا ثَالِثًا

۱. روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. الإيقان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. الدر المنثور، ج ۸، ص ۶۸۳؛ الإيقان، ج ۱، ص ۱۶۰: التنبيهات، التنبيه الأول؛ آلاء الرحمن في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۵۶.

۴. ر. ک: مجله سراج منیر، شماره ۵، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

ولایملاً جوف ابن آدم إلا التراب». به تعبیر دیگر گفت: ما سوره‌ای را قرائت می‌کردیم که آن را شبیه یکی از مُسَبَّحات می‌دانستیم، و شما آن را فراموش کرده‌اید، جز من که مقداری از آن را از حفظ دارم: «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ وَآمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۱ فتکتب شهادة من أعناقكم فتسألون عنها يوم القيامة»^۲.

احمد بن حنبل به سند خود از ابن عباس از ابی بن کعب نقل می‌کند: رسول الله برای ما این‌گونه قرائت فرمود: «وَلَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وادیانِ مِنْ ذَهَبٍ، لَابْتَغَى الثَّالِثَ، وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ، وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ» در جواب عُمر پرسید: این چیست که قرائت کردی، گفت: ما همین‌گونه آن را با رسول الله می‌خواندیم. عُمر گفت: آیا پیامبر آن را تأیید کرد؟ ابن کعب گفت: آری تأیید کرد.^۳

متقی‌هندی علاوه بر نقل مطالب ابن حنبل (با اندک تفاوت) جملات زیر را نیز به عنوان قرآن نقل می‌کند:

پیامبر فرمود: خدا مرا مأمور کرده تا قرآن را بر تو قرائت کنم. حضرت بعد از قرائت: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا...»^۴ این‌گونه خواند:

۱. سوره صف، آیه ۲.

۲. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۳۷، باب کراهة الحرص على الدنيا؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲۶، کتاب الزکاة، باب لو أن لابن آدم وادین، ح ۱۱۹ (۱۰۵۰)؛ اضواء على السنة، ص ۲۵۷.

۳. المسند، ج ۸، ص ۱۳، باب مسند الانصار، ح ۲۱۱۶۹.

۴. سوره بینه، آیه ۱.

«إِنَّ ذَاتَ الدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْخَفِيَّةُ لَا الْمُشْرِكَةُ وَلَا الْيَهُودِيَّةُ وَلَا النَّصْرَانِيَّةُ وَمَنْ يَعْمَلْ خَيْرًا فَلَنْ يَكُنَّ يَكْفُرُهُ»^۱.

سیوطی در تفسیر سوره توبه از چند طریق، ضمن اینکه سوره توبه را سوره العذاب می‌خواند، از حذیفه نقل می‌کند: «به‌خدا سوگند، در این سوره احدی فروگذار نشده، مگر اینکه او را ملامت کرده است و (حالا) قرائت نمی‌کنند از این سوره مگر، به اندازه یک چهارم آن مقداری که ما (در ابتدا) قرائت می‌کردیم»^۲.
حاکم نیشابوری ضمن نقل این روایت، سند آن را صحیح می‌داند.^۳ براساس این اسناد، اسامی افرادی که سوره در مورد آنان نازل گردیده، سه چهارم این سوره‌ها افتاده است (نعوذ بالله!)

۴. تحریف در متن آیات

در منابع مورد قبول وهابیان موارد فراوانی وجود دارد که ادعا شده در آیات تحریف صورت گرفته است. به چند مورد اشاره می‌گردد:

الف) آیه ۲۶ سوره فتح: آیه: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ...﴾ را ابی بن کعب این‌گونه قرائت کرد: «حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ، وَلَوْ حَمِيَّتُمْ كَمَا حَمُوا لَفَسَدَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ...»، عمر وقتی این قرائت را شنید، بر او گران آمده او را در حضور جمعی که زید بن ثابت نیز حضور داشت، فراخواند و گفت: چه کسی سوره فتح را قرائت می‌کند؟ زید بن ثابت آیه را به همان صورتی که ابی خوانده بود، قرائت کرد. عُمَرُ ناراحت شد، ولی ابی به او گفت:

۱. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۴۷۴۳؛ حیلۃ الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۴، ص ۱۸۷، رقم ۲۴۷؛ زین حبیب، ج ۱، ص ۲۵۷، رقم ۴۰، ابو موسی؛ الآء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۹.
۲. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۲۰؛ والله ما ترک أحدًا آلا نالت منه، ولا تقرأون منها ممّا کنا نقرأ آلا زُبْعًا.
۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۳۱، کتاب التفسیر، تفسیر سوره توبه: هذا صحیح الاسناد ولم یخرجاه.

تو خوب می‌دانی که من همواره بر پیامبر وارد می‌شدم و قرائت می‌کردم و تو دمِ دَرَبِ بودی. اگر دوست داری من برای مردم قرآن بخوانم، همانی را قرائت می‌کنم که قرائت کردم و در غیر این صورت تا زنده‌ام یک‌حرف قرائت نمی‌کنم. عمر تسلیم او شد و گفت: برای مردم قرائت کن.^۱

در نقلی، همان مضمون روایت قبلی را تأکید می‌کند، با این تفاوت که زید بن ثابت آیه را به صورت عامه قرائت کرد و عمر گفت: «بار خدایا، این قرائت را نمی‌شناسم». آن‌گاه عُمَر را تهدید به عدم قرائت قرآن کرد.^۲

(ب) تبدیل در آیه نهم سوره جمعه: خرشة بن حُرّ می‌گوید:

عمر بن خطاب لوحی را در دستم دید که در آن نوشته شده بود:

﴿... إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾^۳

گفت: چه کسی آن را نوشته؟ گفتم: اُبی بن کعب گفت: اُبی آیات منسوخ را برای ما قرائت کرده، ثمّ قرأها: «فَامضُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ».^۴

(ج) تحریف در سوره عصر: در کتاب‌های اهل سنت نقل شده است: علی بن ابی طالب رضی الله عنه و ابن مسعود سوره والعصر را این‌گونه قرائت کرده‌اند: «وَالْعَصْرِ وَنَوَائِبِ الدَّهْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ وَإِنَّهُ لَفِيهِ إِلَىٰ آخِرِ الدَّهْرِ».^۵

۱. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۹۴، باب لواحق تفسیر، رقم ۴۸۱۵، وص ۵۶۸، رقم ۴۷۴۵؛ الدر المنثور، ج ۹، ص ۲۲۹: اللَّهُمَّ لَا أَعْرِفُ هَذَا.

۲. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۹۵، باب لواحق التفسیر رقم ۴۸۱۶: فقال عمر لزيد: اقرأ يا زيد، فقرأ زيد قراءة العامة، فقال عمر:

۳. سوره جمعه، آیه ۹.

۴. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۹۲، باب لواحق التفسیر، ح ۴۸۰۸، ۴۸۲۱، ۴۸۲۲؛ الدر المنثور، ج ۸، ص ۱۶۱، تفسیر سوره جمعه.

۵. الدر المنثور، ص ۶۲۱-۶۲۲، تفسیر سوره عصر؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۷، ۶۰۱، باب لواحق التفسیر، ح ۴۸۴۸ و ۴۷۶۲.

د) تحریف سوره لیل: به سندهای مختلف گزارش شده: وقتی اصحاب عبدالله بن مسعود، ابی درداء را در شام ملاقات کردند، پرسیدند: عبدالله آیه: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ» را چگونه قرائت می کرد. علقمه این گونه خواند: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ»^۱، و قسم یاد کرد: «به خدا سوگند، آن را از دهان رسول الله که برای ما خواند، قرائت می کنم»^۱.

ه) اضافه شدن آیه ۱۰۴ آل عمران: عثمان بن عفاف این آیه شریفه را بعد از جمله «وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» این گونه قرائت می کرد: «وَيَسْتَعِينُونَ اللَّهَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَأَوْلَتْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳. قرطبی (م ۷۱ق) و سیوطی (م ۹۱۱ق)، این قرائت را هم از عثمان و هم از ابن زبیر نقل می کنند.^۴

و) تحریف آیه اولویت رسول الله ﷺ: عبدالرزاق، سعید بن منصور، اسحق بن راهویه، ابن منذر و بیهقی از بجاله نقل می کنند که روزی عمر بر جوانی عبور کرد که این جمله «وَهُوَ أَبُو هُم» را بر آیه اضافه می کرد. عمر به او گفت:

ای جوان، آن را پاک کن». وی گفت: این مصحف ابی بن کعب است سپس عمر آن قضیه را از ابی پرسید. وی در پاسخ گفت: «من

۱. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۷۰، کتاب التفسیر، باب وما خلق الذکر والانثی، ح ۴۹۴۳ و ۴۹۴۴: «والله لقد قرأناها رسول الله من فيه إلى في» (با تلخیص)؛ المسند، ج ۶، ص ۴۴۹: بقية حديث أبي درداء؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶۲ ج ۴۰۰۹ (حدیث را صحیح می داند).

۲. «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۳. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۹۸، باب لواحق التفسیر، ح ۴۸۲۵.

۴. الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۶۵؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۸، تفسیر آل عمران.

۵. سوره احزاب، آیه ۶: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...».

به قرآن سرگرم و مشغولم و سیلی زدن در بازارها هم تو را به خود مشغول کرده است؛^۱ و دهها نمونه دیگر.

ز) آیه‌ای که بُز خورد: بحث شرم‌آوری به نام رِضَاعِ الْكَبِيرِ که هرچند اختلافی است، ولی در منابع روایی وجود دارد و برخی با استناد به گفته أم‌المؤمنین عایشه معتقدند اگر مرد کامل و بالغ ده مرتبه از زن نامحرم شیر بمکد، به آن زن محرم خواهد شد. داستان در مورد ابی‌حذیفه است که از زنی به نام سهلة بن سهیل ده مرتبه شیر مکید، و محرم شد.^۲ از این رو عایشه می‌گوید:

آنچه در قرآن فروفرستاده شد و سبب محرمیت گردید، خوردن شیر به تعداد ده مرتبه معلوم بود. سپس پنج مرتبه معلوم آن نسخ گشت، تا اینکه رسول‌الله دار فانی را وداع گفت و پنج مرتبه آن در قرآن باقی ماند.^۳

در روایت دیگر می‌گوید:

آیات رجم و شیر خوردن مرد بزرگسال به تعداد ده مرتبه که فروفرستاده شد، در صحیفه زیر بالشّم قرار داشت. هنگامی که رسول‌خدا از دنیا رفت و ما را مشغول خود ساخت، بُز وارد شد و آن صحیفه را خورد.^۴

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۶۷ (تفسیر آیه ۶ احزاب)؛ کنز العمال، ج ۹، ص ۲۵۶، باب لواحق التفسیر، ح ۴۷۴۶؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۱۱۰، باب ۵۴ ماخص به من أن أزواجه أمهات المؤمنین، ح ۱۳۴۱۹: «قال أبي: أنه كان يلهيني القرآن ويلهيك الصَّفْقُ بالأسواق».

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۲۵، كتاب النكاح، باب (۲۵) (۳۶) الرِّضَاعِ الْكَبِيرِ، ولا تحرم المصّة... .

۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۷۶-۱۰۷۹، كتاب الرضاع، باب تحريم بخمس رضعات، ح ۲۴ و ۲۵.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۲۵ (۳۶)، رضاع الكبير، ح ۱۹۴۴؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۴۷۲، تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء؛ الوهابيون خوارج ام سنة، ص ۲۶۴: «نزلت آية الرِّجْمِ ورضاعة الكبيرة عَشْرًا ولقد كان في صحيفه تحت سريري، فلما مات رسول الله وتشاعلنا بموته دخل داجن فأكلتها».

در نتیجه آیه‌ای که حکم محرم شدن مرد کامل با خوردن شیر از زن نامحرم را بیان می‌کرد، خوراک بزُ أم المؤمنین عایشه گردید! آیا چنین روایاتی مخالف صریح آیه **﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾**^۱ نیست؟!

۵. حذف بخشی از آیات قرآن

در دسته‌ای دیگر از روایات اهل سنت، به حذف آیات قرآن کریم اشاره شده است:

(الف) حذف مقداری زیاد: نافع از پسر عمر نقل می‌کند که گفت:

«هرگز احدی از شما نگوید که همه قرآن را فرا گرفته‌اید و

همه آن را می‌دانید؛ درحالی که مقدار زیادی از قرآن از بین رفته

است، بلکه بگو: آنچه از ظاهر آن آشکار بود، فراگرفتم».^۲

خود عمر وقتی از عبدالرحمان بن عوف پرسید: آنچه را در مورد ما نازل شده که جهاد کنید، همانگونه که در ابتدا جهاد می‌نمودید، نیافتی؟ عبدالرحمن گفت: «ساقط شد از قرآن آنچه ساقط شد!»^۳

(ب) حادثه مسیلمه و ایجاد نقص در قرآن: سیوطی از ثوری نقل می‌کند که

گفت:

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. الاتقان، ج ۲، ص ۴۸، النوع السابع والأربعون؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۵۸، تفسیر آیه ۱۰۵ بقره: «لا یقولنَّ أحدکم: قد أخذت القرآن کُلَّهُ، وما یدریه ما کُلَّهُ، قد ذهبَ منه قرآن کثیر، ولكن لیقل: قد أخذتُ منه ما ظهَرَ»؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵، تفسیر الفاتحة. این مفسر پس از نقل روایات دال بر تحریف می‌گوید: «والروایات فی هذا الباب اکثر من أن تحصی إلا أنها محمولة علی ما ذکرناه، وأین ذلك ما یقولہ الشیعی الجسور» وی در پاسخ طبرسی در مجمع البیان می‌آورد که می‌گفت: «واما النقصان، فقد روی عن قوم من أصحابنا و قوم من حشویة العامة»: (ج ۱، ص ۴۳، الفن الخامس). آلوسی توجیه چنین روایات را این می‌داند که یا کذب یا سوء فهم است (روح المعانی، ج ۱، ص ۲۵؛ الحقیقة المظلومة، ص ۱۰۰).

۳. کنز العمال، ج ۲، ص ۵۶۷، باب لواحق التفسیر، ح ۴۷۴۱؛ مع الدكتور موسی الموسوی فی کتابه الشیعة و التصحیح، ص ۳۰۴: «أسقط فیما أسقط من القرآن».

گروهی از اصحاب پیامبر که قاری قرآن بودند، در روز مسیلمه به شهادت رسیدند، سرانجام حرف‌هایی از قرآن با آنها از بین رفت.^۱

◆ نتیجه

از استدلال گذشته ثابت شد که نسبت تحریف قرآن به شیعیان نه تنها باطل بوده بلکه خود آنان با آوردن دلایل متعدد اصرار بر مصونیت قرآن کریم از هرگونه تحریف دارند. در مقابل این وهابیان هستند که باید به این همه مطالب وارده در منابعشان درباره تحریف قرآن پاسخ گو باشند. طبق بیان صحیح بخاری، مسلم، مسند احمد بن حنبل، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن نسائی و ده‌ها کتاب تفسیری و تاریخ قابل قبول وهابیت، تحریفات فراوانی در قرآن بوجود آمده است.

۱. الدرالمشور، ج ۶، ص ۵۵۸، تغییر سورة احزاب؛ المصنّف، ج ۷، ص ۳۲۹، ح ۱۳۳۶۳: «بَلَّغْنَا أَنْ نَأْسَأَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ كَأَنَّا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، أُصِيبُوا يَوْمَ مُسَيْلِمَةَ، فَذَهَبَتْ حُرُوفٌ مِنَ الْقُرْآنِ».

◆ كتابنامه

١. قرآن كريم.
٢. الإتيقان في علوم القرآن: ضبط وتصحيح محمد سالم هاشم، قم: ذوى القربى، چاپ دوم، ١٤٢٩ ق.
٣. أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثني عشرية: ناصر بن عبدالله قفارى، الجيزة: دارالرضا، بى تا.
٤. اضواء على السنة المحمدية: محمود ابوريه، قم: مؤسسة دارالكتاب الإسلامى، چاپ دوم، ١٤٢٨ ق.
٥. الإمام البخاري وصحيحه الجامع المختصر، دراسته في حياته وإتجاهه الفكري: حسين الهرساوي، قم: دليل ما، چاپ اول، ١٤٢٥ ق.
٦. تاريخ الطبري: (تاريخ الأمم والملوك): محمد بن جرير طبرى، تحقيق: نخبة من العلماء الأجلاء، بيروت: مؤسسة الاعلمي، بى تا؛ همان: تحقيق: محمدابو الفضل ابراهيم، بيروت: روائع التراث العربي، بى تا.
٧. تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي: جلال الدين عبدالرحمان سيوطى، تحقيق: الشيخ عرفان العشأ، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ ق.
٨. التفسير الكبير: امام فخر رازى، طبعة جديدة مصححة، بيروت: داراحياء التراث، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
٩. جامع الأصول في أحاديث الرسول: مبارك بن محمد بن اثير جزرى، تحقيق: عبدالقادر ارناؤوط، بى جا، مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح، چاپ اول، ١٣٩١ ق.
١٠. الجامع لأحكام القرآن: محمد بن احمد انصارى قرطبى، بيروت: داراحياء التراث العربي، بى تا.
١١. حقائق الهامة حول القرآن: سيدجعفر مرتضى عاملى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ اول، بى تا.
١٢. حقيقة الشيعة، وهل يمكن تقاربهم مع أهل السنة: محمد بيومي، قاهره: دارالغد الجديد، چاپ اول، ١٤٢٧ ق.
١٣. الحقيقة المظلومة: محمدعلى المعلم، بى جا، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
١٤. حيلة الأولياء وطبقات الأصفياء: أبي نعيم احمد بن عبدالله اصفهانى، قاهره: دارام القرى، بى تا.
١٥. الخطوط العريضة للاسس التي قام عليها دين الشيعة الامامية الاثني عشرية: محب الدين الخطيب، اردن: دارعمار، چاپ اول، ١٤٢٠ ق.
١٦. الدر المنثور في تفسير المأثور: عبدالرحمان جلال الدين سيوطى، بإشراف دارالفكر، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.
١٧. روح المعاني في تفسير القرآن والسبع المثاني: سيد محمود آلوسى، بيروت: دارالحياة التراث العربي، بى تا.

١٨. السنن الكبرى: احمد بن حنبل بن علي بن موسى بيهقي، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٩. سنن النسائي بشرح جلال الدين السيوطي، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٣٣٨ق.
٢٠. سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد القزويني ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٣٤٨ق.
٢١. سنن أبي داود: ابي داود سليمان بن اشعث سجستاني، مراجعه و تعليق: سعيد محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٢٢. سنن دارالقطني: علي بن عمر دارقطني بغدادی، تحقيق: سيّد عبدالله هاشم بياني مدني، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٨٦ق.
٢٣. الشيعة والسنة: احسان الهي ظهير، لاهور پاکستان: پنخش: رياض عربستان، مكتبة بيت الاسلام، بی تا.
٢٤. صحيح البخاري: محمد بن اسماعيل بخاري، مصطفي ديب البغا، بيروت - دمشق: دار ابن كثير - اليمامة، چاپ پنجم، ١٤١٤ق.
٢٥. صحيح مسلم: مسلم بن حجاج قشيري نيسابوري، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٣٩٨ق.
٢٦. صيانة القرآن من التحريف: محمد هادي معرفت، تحقيق: مؤسسة النشر الاسلامي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين، ١٤١٣ق.
٢٧. عجائب القرآن: علي بن محمد بن جوزي، تحقيق ومقدمة: عبدالفتاح عاشور، قاهره: الزهراء للإعلام، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٢٨. الفتاوى الكبرى: احمد بن عبدالحليم بن تيمية حرّانى ابوالعباس، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا - مصطفي عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٢٩. كنز العمال في سنن الأفعال والأعمال: علي متقى بن حسام الدين هندی، ضبط و فسر غريبه: الشيخ بكري حياّني، تصحيح و وضع فهارس: الشيخ صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٣٠. المبسوط: شمس الدين ابوبكر بن محمد بن ابي سهل سرخسي، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٣١. مجمع البيان في تفسير القرآن: أبو علي الفضل بن حسن طبرسي، بيروت: مؤسسة الاعلمي، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٣٢. مجمع الزوائد و منبع الفوائد بتقرير العراقي و ابن حجر: نور الدين علي بن ابي بكر هيثمي، بيروت: دارالكتب العربي، چاپ سوم، ١٤٠٢ق.

٣٣. **مجموع الفتاوى**: احمد بن عبدالحليم بن تيمية حرّانى، تحقيق: انورالياز- عامرالجزّار، بيروت: دارالوفا، چاپ سوم، ١٤٢٤ق.
٣٤. **مختصر صحيح البخاري المسمى التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح**: احمد بن عبداللطيف زبيدي، تخريج احمد ابراهيم زهوة، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٢٦ق.
٣٥. **المستدرک على الصحيحين**: محمد بن محمد حاكم نيسابورى، تحقيق: يوسف مرعشلي، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق؛ همان، دراسة تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
٣٦. **المسند للإمام احمد بن محمد بن حنبل**: احمد بن حنبل، تحقيق: صدقي محمد جميل العطار، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣٧. **المصنّف**: عبدالرزاق بن همام الصنعاني، تحقيق: عبدالرحمن الاعظمي، بيروت: المكتب الاسلامي، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٣٨. **المعجم الكبير**: سليمان بن احمد بن ايوب طبراني، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد سلفي، القاهرة: المكتبة ابن تيمية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٣٩. **مع الدكتور موسى الموسوي**: علاءالدين سيد أمير قزويني، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلاميّة، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٤٠. **مناهج العرفان في علوم القرآن**: شيخ محمد عبدالعظيم زرقاني، القاهرة: داراحياء و الكتب، بي تا.
٤١. **موسوعة العلامة البلاغي: آلاء الرحمن في تفسير القرآن**، ج ١، محمد جواد بلاغي، تحقيق: لطيف فرادي عباس محمدى، قم: مركز العلوم و الثقافة الإسلاميّة مركز احياء التراث الاسلامي، چاپ اول، ١٤٢٨ق.
٤٢. **الوهابيون خوارج أم سنة**: نجاح طائي، بيروت: دارالميزان، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٤٣. **هدى الساري مقدمة فتح الباري**: احمد بن على بن حجر عسقلاني، طبعة جديدة و مصححة: عبدالعزيز بن باز - محمدفؤاد عبدالباقي، بيروت: دارالكتب العلميّة، چاپ اول، ١٤١٠ق.